



مسارک حضرت مہدیر (عج) آغاز لامست



سبحان الله وبحمده
سبحان الله وبحمده

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين



در این شماره اسوه می خوانیم:

سخن نخست: ماه ربیع الاول؛ بهار رحمت الهی

قرآن و ادعیه؛ معرف پیامبر اکرم و ائمه (علیهم السلام)

علی امام و پیشوای راستین

سبک زندگی کوثری (این شماره: سوره کریمه «تکاور»)

تربیت در محیط خانواده (قسمت بیست و ششم)

شهید «محمد بروجرودی» از قاب اسوه

میزان خوردن غذا

بذل مال و جان و راحتی در راه دین

فضیلت علم از نگاه روایات

گفتند: «نمی آید!»...

تقویم و روز شمار ماه ربیع الاول

۱ ربیع الاول: هجرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) (سال ۱ ه.ق)؛ لیلۃ المبیّت (سال ۱ ه.ق)

۲ ربیع الاول: نزول آیه ای در شأن امیر المؤمنین علی (علیه السلام) (سال ۱ ه.ق)

۷ ربیع الاول: شهادت محسن بن علی (علیه السلام) (سال ۱۱ ه.ق)

۸ ربیع الاول: شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) (سال ۲۶۰ ه.ق)

۹ ربیع الاول: آغاز امامت حضرت ولی عصر (علیه السلام) (سال ۲۶۰ ه.ق)

۱۰ ربیع الاول: ازدواج حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) با خدیجه کبری (سلام الله علیها)

(سال ۲۵ عام الفیل)

۱۷ ربیع الاول: ولادت پیامبر (صلی الله علیه و آله) (سال ۱ عام الفیل)؛ زادروز فرخنده امام

جعفر صادق (علیه السلام) (سال ۸۳ ه.ق)

۲۱ ربیع الاول: اعدام نمر باقر النمر از عالمان شیعه (۱۲ دی ۱۳۹۴ ش) (سال ۱۴۳۷ ه.ق)

ماه ربیع الاول؛ بهار رحمت الهی

فخری مرجانی

ماه ربیع الاول را بهار ماه‌های سال قمری می‌نامند و به این وصف مشهور است.

هر چند در اوایل ماه، شهادت امام حسن عسگری (علیه‌السلام) دل شیعیان را به درد می‌آورد، اما ولادت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، ولادت امام جعفر صادق (علیه‌السلام)، ازدواج پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و حضرت خدیجه کبری (سلام‌الله‌علیها)، واقعه لیلۃ المبیت و آغاز امامت حضرت ولیعصر (ارواح‌نافه) درهای رحمت خداوند را بیش از پیش بر انسان‌ها باز می‌کند و باعث سرور و شادی بین مسلمانان می‌شود.

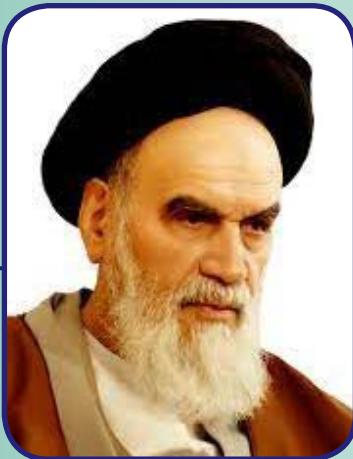
در این ماه و در واقعه لیلۃ المبیت، آیه شریفه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعَبَادِ»؛ بعضی از مردم (با ایمان و فداکار) جان خود را در برابر خشنودی خدا می‌فروشند؛ و خداوند نسبت به بندگان مهربان است» در حق امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و فداکاری و جانفشانی ایشان نازل شد.

هجرت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مبدأ تاریخ مسلمانان شد و تحوّل عظیم در جهان اسلام روی داد.

پس در این ماه و خصوصاً در روز ولادت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) شایسته است صلوات فرستادن بر آن حضرت خصوصاً صلواتی که امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در یکی از خطبه‌های خود در روز جمعه بر آن حضرت فرستاده است:

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَحَنَّنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ، وَالشَّرَفَ وَالْأَفْضَلِيَّةَ، وَالْمَنْزِلَةَ الْكَرِيمَةَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ أَكْثَرَ الْخَلَائِقِ كُلِّهِمْ شَرَفًا يَوْمَ الْقِيَمَةِ، وَأَقْرَبَهُمْ مِنْكَ مَقْعَدًا، وَأَوْجَهَهُمْ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَاهًا، وَأَفْضَلَهُمْ عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَنَصِيبًا، اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا أَشْرَفَ الْمَقَامِ، وَجَبَّاءَ السَّلَامِ، وَشَفَاعَةَ الْإِسْلَامِ، اللَّهُمَّ وَالْجَفْنَا بِهِ غَيْرَ خَرَايَا، وَلَا نَاكِبِينَ وَلَا نَادِمِينَ وَلَا مُبَدِّلِينَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ».





قرآن و ادعیه؛ معرف پیامبر اکرم و ائمه (علیهم السلام)

است که معرفی کند حق تعالی را با همه اسماء و صفاتی که دارد. عامه مردم خیلی ارزش چیز می فهمند این کتاب را - و خواص هم مسائل بالاتر می فهمند و اخص خواص هم مسائل فوق آن را می فهمند، لکن اِنَّمَا يُعْرِفُ الْكِتَابَ مَنْ خُوطِبَ بِهِ؛ هیچ کس نمی تواند بفهمد. هر کس بخواید پیغمبر را بشناسد، قرآن را باید بشناسد و هیچ کس نمی تواند بشناسد. و لهذا، هیچ کس پیغمبر را هم نمی تواند بشناسد. معرف ایشان کتاب خودشان است و معرف حضرت صادق (سلام الله علیه) بعد از اینکه خود پیغمبر معرف است، خود وجودش معرف است. این فقهی است که با زبان ایشان بسط پیدا کرده است که برای احتیاج بشر از اول تا آخر، هر مسئله ای پیش بیاید، مسائل مستحدثه، مسائلی که بعدها خواهد پیش آمد، که حالا ما نمی دانیم، این فقه از عهده جوابش برمی آید و هیچ احتیاج ندارد به اینکه یک تأویل و تفسیر باطلی بکنیم.

... ادعیه ائمه هدی، دعاهاى آنها، همان مسائلی را که کتاب خدا دارد، دعاهاى آنها هم دارد با یک زبان دیگر. قرآن یک زبان دارد، یک نحو صحبت می کند و همه مطالب را دارد، منتها بسیاریار در رمز است که ما نمی توانیم بفهمیم و ادعیه ائمه (علیهم السلام) یک وضع دیگری دارد.

... در هر صورت، ما عاجزیم از اینکه شکر این نعمت را به جا بیاوریم که ما اهل یک مذهبی هستیم که از این دو منبع استفاده می کنیم: از منبع وحی و از منبع ولایت. و سایر فرق این منبع دوم را کم دارند و ما شکر این نعمت را نمی توانیم به جا بیاوریم. و از خدای تبارک و تعالی می خواهیم که به ما توفیق بدهد که بتوانیم شکر این نعمت را به جای بیاوریم.

من مطلب تازه ای ندارم و خودم را لایق نمی دانم که راجع به رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و حضرت صادق (سلام الله علیه) چیزی عرض کنم؛ برای اینکه به آن مرتبه نیستم که بتوانم راجع به این مسائل صحبتی بکنم. فقط می خواهم عرض کنم به آقایان که معرف رسول اکرم، قرآن است. همان طور که خود رسول اکرم و حضرت صادق و ولی الله اعظم جلوه تام حق تعالی هستند، قرآن هم همان طور است. قرآن هم جلوه تام خدای تعالی است؛ یعنی با همه اسماء و صفات، تجلی کرده است و ولی الله اعظم و رسول اکرم را با آن اشراق هایی که ما ارزش اطلاع نداریم و با همه اسماء و صفات، محقق کرده است. و همین طور ولی الله اکرم حضرت صادق و سایر ائمه را، لکن معرف ایشان خود کتاب الهی است؛ یعنی، هر کس هر چند در این کتاب مقدس دقت کند و توجه داشته باشد، بیشتر مطلع می شود که آورنده او کیست و چه جور آدمی است. قرآن یک سفره ای است که انداخته شده است برای همه طبقات؛ یعنی، یک زبانی دارد که این زبان هم زبان عامه مردم است و هم زبان فلاسفه است و هم زبان عرفای اصطلاحی است و هم زبان اهل معرفت، به حسب واقع. در این کتاب شریف، مسائلی هست که مهمش مسائل معنوی است. و رسول اکرم و سایر انبیا نیامدند که اینجا حکومت تأسیس کنند، مقصد اعلا این نیست؛ نیامدند که اینجا عدالت ایجاد کنند، آن هم مقصد اعلا نیست، اینها همه مقدمه است. تمام زحمتهای [بی] که اینها کشیدند، چه از حضرت نوح گرفته، از حضرت ابراهیم گرفته تا آمده است اینجا به رسول اکرم رسیده است، تمام مشقت هایی که کشیدند و کارهایی که کردند، مقدمه یک مطلب است و او معرفی ذات مقدس حق [است]. کتاب های آسمانی هم، [که] بالاترینش کتاب قرآن کریم است، تمام مقصدش همین

علی امام و پیشوای راستین

سراسر وجود علی، تاریخ و سیرت علی، خلق و خوی علی، رنگ و بوی علی، سخن و گفت‌وگوی علی درس است و سرمشق است و تعلیم است و رهبری است. همچنان که جذب‌های علی برای ما آموزنده و درس است، دفع‌های او نیز چنین است. ما معمولاً در زیارت‌های علی و سایر اظهار ادب‌ها مدعی می‌شویم که ما دوست دوست تو، و دشمن دشمن تو هستیم.

تعبیر دیگر این جمله این است که ما به سوی آن نقطه می‌رویم که در جوّ جذبی تو قرار دارد و تو جذب می‌کنی و از آن نقاط دوری می‌گزینیم که تو آنها را دفع می‌کنی. ... علی دو طبقه را سخت دفع کرده است:

۱ - منافقان زیرک

۲ - زاهدان احمق

همین دو درس برای مدعیان تشیع او کافی است که چشم باز کنند و فریب منافقان را نخورند، تیزبین باشند و ظاهربینی را رها نمایند، که جامعه تشیع در حال حاضر سخت به این دو درد مبتلا است.

منبع: جاذبه و دافعه علی (علیه السلام)

شهید مرتضی مطهری، ص ۱۷۷



سبک زندگی کوثری (از ناس تا نبأ)

دکتر زهرا خلخالی

zmnyhi@gmail.com

سوره مبارکه تکاثر

انسان غرق شده در «لفی خسر» که به سختی اهل «همز و لمز» و «جمع مالا و عدده» هم هست، و از سویی به جهت استعاده نیافتن «برب الناس و رب الفلق» در **طرده یتیم و مسکین** مهارت یافته است، اکنون که **سر در خسر** فرو برده، از **تکاثر سربر آورده** و دل مشغولی به فزون طلبی و چشم و هم چشمی او را آنچنان در خود غرق نموده که حتی مرده پرستی را در فزونی تکاثر رقم زده!!، درحالی که زیارت مقابر باید او را به یاد قیامت اندازد! چه بسا فرود پی در پی و مکرر «کلا» سزاوار چنین انسان متکاثری است؛ تا «سوف تعلمون» گردد شاید که به «علم الیقین» دست یابد و گر نه بزودی «لترون الجحیم» خواهد شد آنهم با «عین الیقین»!!! جحیمی که «**لارالله الموده**» است!

و این **متکاثر همماز لمار** اگر در این دنیا به علم الیقین نرسد، ناگزیر پس از **زیارت قبر خودش**، با عین الیقین «لترون الجحیم» خواهد شد و آن روز برای درک آفرینش خودش و جهان هستی و درک عبدیستی که بخاطر این **روحیه تکاثر طلبیش**، از آن دور مانده؛ چقدر دیر است!! که والعصر زندگیش در خسر به تباهی رفته و «لا» را در نیافته! ایمانی نیاورده و عمل صالحی نیندوخته! که **دل مشغولی به غرق شدن در تجملات زندگی** چون غرق شدن در صفحات دنیای مجازی، ثروت اندوزی در مال و خانه و طلا و دلار و ویلا و سفرهای پر هزینه و ... هر چیزی که مسرفانه زندگی او را در خود حل نموده، «کلا...سوف...ثم... کلا سوف... کلا لو تعلمون... لترون...ثم لترونها...» به «ثم» آخر می رسانندش به یاد روزی که «**لتسئلن یومئذ عن النعیم**» است.

به یقین چنین انسان زدهی متکاثری اصلا از نعیم که اساس همه هستی است، هیچ نمی داند، **نعیم ولایت و امامت!** تمام درک نعیم در کوثر که نقطه مقابل تکاثر است، خلاصه می شود که ساده زیستی و اهل خیر بودن و به شکرانه عبد بودن رسیدگی به امور یتیمان و مساکین در **تواصی به حق و صبر** از اثرات با برکت آن است که این نعیم درک سیره اهل بیت (ع) است و بس.

علامه طباطبایی در محور موضوعی این سوره می فرماید: این سوره مردم را به شدت توبیخ می کند بر اینکه با **تکاثر ورزیدن و مسابقه گذاشتن در جمع مال و اولاد و یاوران** با یکدیگر از خدای تعالی و از سعادت واقعی خود بی خبر می مانند، از تبعات و آثار سوء خسران آور این سرگرمی غفلت می ورزند. و ایشان را تهدید می کند به اینکه به زودی نتیجه سرگرمی های بیهوده خود را می دانند و می بینند، و به **زودی از این نعمتها** که در اختیارشان گذاشته شده بود تا **شکرش را بجای آورند بازخواست می شوند**، که چرا در شکرگزاری خدا خود را به نادانی دیدید، و به کارهای بیهوده سرگرم کردید، و **چرا نعمت خدا را با کفران مقابله نمودید.**^۱

شماره سوره:

صد و دوم (سیزدهم از پایان) از سوره مکی

شرح لغات:

لهو: سرگرم شدن و دل مشغولی، **تکاثر:** فخر فروشی و فزون طلبی و چشم و هم چشمی

سوره زوج:

قارعه

محور موضوعی:

دل مشغولی به زیاده طلبی دنیوی و غفلت از قیامت

شان نزول:

تفاخر فرزندان عبد مناف و سهم بن عمر در اشرافیت تا جایی که به شمارش مردگانش انجامید. امام صادق (ع): منظور از نعیم «امام» است.

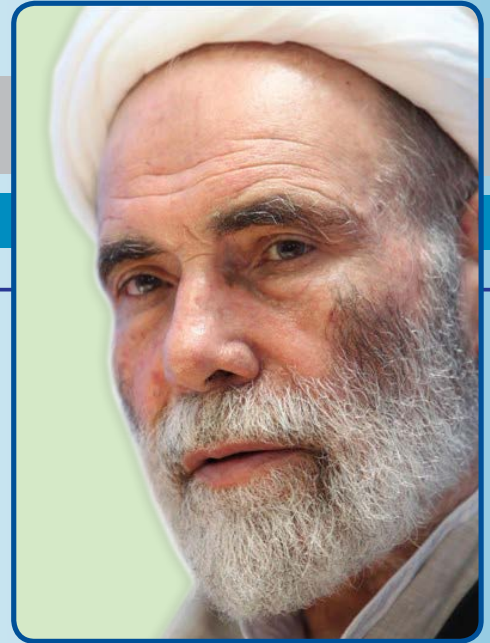
فضیلت قرائت:

برابر با هزار آیه (یک ششم قرآن) و عدم حسابرسی در قیامت، همچنین از امام صادق (ع) روایت شده است هر کس سوره تکاثر را در نمازهای واجب خود بخواند، خداوند برای او ثواب صد شهید و اگر در نمازهای مستحبی بخواند، ثواب پنجاه شهید می نویسد و در نماز واجبش چهل صف از ملائکه با او نماز می گزارند.

تربیت در محیط خانواده

آیت الله مجتبی تهرانى

قسمت بیست و شش



دست عقل، نفس را از سرکشی باز می‌دارد

من حالا در رابطه با بحث، دو روایت می‌خوانم. یک روایت از علی (علیه السلام) است که حضرت فرمود: «التَّفُوسُ طَلَقُهُ لَكِنْ أَيْدِي الْعُقُولِ تُمَسِّكُ أَعْنَئَهَا عَنِ النَّحُوسِ»؛ نفوس، رها و یله‌اند، ولی دستان عقل است که آنها را از سرکشی باز می‌دارد. نفوس یعنی همان قوای حیوانی که اشاره شد. نفس همان روح حیوانی شهوت، غضب و وهم است. طَلَقُهُ یعنی آزادی حیوانی. می‌فرماید: نفس، آزادی حیوانی می‌خواهد. اما آنچه او را از سرکشی باز می‌دارد، دستان عقل است. این در ابتدا کار عقل عملی است و بعد هم عقل نظری که زیربنای اعتقادات است.

سرچشمه را با بیل می‌شود گرفت؛ اما ...

مسئله این است که اگر انسان قوای نفسانی‌اش را رها کند، حدّ یَقِف ندارد. هیچ‌گاه نمی‌ایستد و دائماً به دنبال میل خود می‌رود؛ البته محیط‌هایی که انسان در آنها ساخته می‌شود، با هم تفاوت دارند. مثلاً اگر کودکی را بخواهیم در محیط خانوادگی تربیت کنیم و قوای حیوانی‌اش را مهار کنیم، خیلی آسان‌تر است، نسبت به انسانی که وارد محیط دیگری شده است.

قبلاً هم گفتیم که تربیت بچه خیلی آسان است. چون کودک هم سریع و زود و هم عمیق و مؤثر یاد می‌گیرد. حال بعداً می‌گوییم که این تربیت و روش‌دهی باید از کجا شروع شود.

بحث این است که هرچه کودک رشد حیوانی پیدا کند، روش‌دادن به او مشکل‌تر می‌شود؛ تا به حالت تمییز برسد. به بلوغ طبیعی نه شرعی که برسد، کار مشکل می‌شود. اگر کودک تربیت نشود، وقتی وارد محیط‌های بعدی می‌شود محیط آموزشی، شغلی، رفاقتی و... به جایی می‌رسد که اگر آن وقت بخواهد این قوای حیوانی را مهار کند، کارش بسیار مشکل است. می‌گویند: سرچشمه را با بیل می‌شود گرفت؛ اما اگر همان ابتدا جلوی آن را نگیری، بعداً با پیل هم نمی‌شود جلوی‌اش را گرفت!

ادامه دارد...

قوای حیوانی، افسار گسیخته است!

گفتیم که تربیت یعنی روش‌دادن؛ اصل آن هم این است که به قوای حیوانی انسان، روش داده شود و آدمی از افسار گسیختگی قوای حیوانی خود نجات پیدا کند. قهراً وقتی که قوای حیوانی بالفعل است و شهوت و غضب و وهم در بچه‌ای که متولد می‌شود وجود دارد، این سؤال مطرح می‌شود که آیا این قوا کنترل شده است یا نه؟

بدانید که این قوای حیوانی شهوت، غضب و وهم، سقف ندارد و مرز نمی‌شناسد! افسار گسیخته است. و تربیت در مراحل اولیه، این است که باید جلوی افسار گسیختگی این قوای حیوانی را گرفت. در تربیت اسلامی، از بین بردن شهوت و غضب مطرح نیست. آنچه اهمیت داشته و صحیح است، روش‌دادن، محدود کردن و مرز تعیین کردن برای قوای حیوانی نفس است.

هوای نفس؛ یعنی خواسته‌های حیوانی بی‌مرز

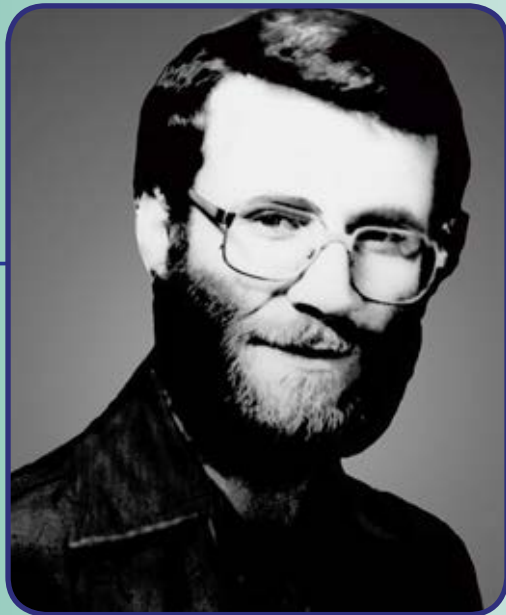
من به دو اصطلاح اشاره کنم که استاد ما (رضوان الله تعالی علیه) هم آنها را به کار می‌بردند. ایشان می‌فرمودند: «شهوت و غضب در انسان اطلاق دارد». این یک اصطلاح است که معنایش همان است که من عرض کردم؛ یعنی مرز نمی‌شناسد. یک عبارت هم در روایات ما وجود دارد - که خیلی زیاد شنیده‌اید و استعمال هم می‌کنید - که عبارت است از «هوای نفس».

این هوای نفس که می‌گویند، یعنی چه؟ این همان مرز‌نشناسی است. خواسته‌های حیوانی بی‌مرز، هوای نفس است.

بحث در این است که برای تربیت، این نیروها باید کنترل شود و حد و مرز پیدا کند. این مسئله نسبت به تمام محیط‌هایی که انسان در آنها ساخته می‌شود، مطرح است؛ از محیط خانوادگی گرفته، تا محیط آموزشی، شغلی، رفاقتی و حتی آن جو حاکم بر کل جامعه که مسئولیت آن با عده‌ای خاص است؛ در هر محیطی این بحث مطرح است.

آنان که وامدارشان هستیم

محیا خوبرو



علامه شهید مرتضی مطهری (رحمت الله علیه) در تعریف سیره می فرماید: «سیر یعنی رفتن، اما سیره به معنای نوع و سبک راه رفتن است.»

آنچه به ما توصیه شده در باب الگوبرداری ها و عمل کردن ها شناختن سبک پیغمبر (و بزرگان دین) است.

اما سؤال اینجا است که چرا باید سیره معصومین، اولیا و شهدا را دانست؟ آیا دانستن سیره به ما انگیزه عمل در زندگی می دهد؟ آیا سیره ها را بدانیم تا فقط گاهی نقل قولی زیبا برای سخنوری و جذب مخاطب داشته باشیم؟ آنچه قرآن در این باب از ما مطالبه دارد چیست؟ می فرماید: «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ». بحث الگو و اسوه داشتن در یک کلام؛ برای عمل کردن مطابق آن سبکی است که از آن الگو یاد گرفته ام.

.....

سردار شهید محمد بروجردی، در سال ۱۳۳۳ در یکی از بخش های شهرستان بروجرد دیده به جهان گشود. شش ساله بود که پدرش را از دست داد و گرد یتیمی بر چهره اش نشست. مهاجرت وی به یکی از محله های جنوبی تهران، آغاز دوران سخت کودکی اش به شمار می رفت تا روحش با حوادث تلخ روزگار صیقل خورده و بر پهنه دل های دوستانش، درخشیدنی از مهر آغاز کند. از هفت سالگی در دو سنگر تلاش برای کسب معاش و کوشش برای کسب علم و دانش به زیبایی درخشید و شاگرد اول هر دو کلاس شد.

شهید محمد بروجردی، در سال ۱۳۴۷ در حالی که چهارده سال بیشتر نداشت قدم به دنیای پر تب و تاب مبارزه گذاشت. اولین جرقه های مبارزه و قیام در زندگی او، در پای درس روحانی مبارز، حاج عبدالله بوذری زده شد و برای اولین بار با شنیدن تفسیر قرآن و نهج البلاغه در محضر این روحانی بیدار و آگاه و مشاهده رساله امام، فهمید که مسیر زندگی اش را پیدا کرده است. شهید بروجردی خود از آن روزها چنین حکایت می کرد: «وقتی به این کلاس ها رفتم، قرآن را خواندم و مفهوم آیات آن را فهمیدم، چشم و گوشم روی خیلی مسائل باز شد. معنای طاغوت را فهمیدم، فهمیدم امام کیست و چرا او را از کشور تبعید کردند».

سردار شهید محمد بروجردی، از پایه گذاران اصلی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود.

یکی از همزمان شهید بروجردی، در خاطره ای از این سردار شهید بیان داشته است:

«بعد از شهادت فرمانده محور غرب، شهید ناصر کاظمی،

شهید بروجردی که هیچ وقت لبخند از چهره اش محو نمی شد، کمتر لبخند به لب دیده می شد. یک روز که خیلی در فکر بود، رو به من کرد و گفت: «خواب دیدم من ناصر با هم در عملیاتی بودیم. داشتیم داخل یک شیار می دویدیم و منطقه پر از آتش بود. ناصر با چالاکی جلوتر از من به سرعت می دوید. ناگهان شیار به یک جای بلندی می رسید که ناصر به راحتی گذشت و رد شد، اما من هر بار لیز می خوردم. یکدفعه ناصر دستم را گرفت و به سادگی مثل پرکاه مرا بالا کشید. وقتی بالا آمدم و تاریکی و ترسناکی پایین را دیدم، خدا را شکر کردم که آنجا نیستم. ان شاء الله من هم شهید می شوم».

مدتی کوتاه پس از این ماجرا، ایشان که عمری در مبارزه بودند، در اول خرداد سال ۱۳۶۲، وقتی برای پاکسازی مهاباد راهی آنجا شده بود، در ساعت دوازده ظهر بر اثر انفجار مین در جاده مهاباد - نقده به شهادت رسیدند.

مقام معظم رهبری در بخشی از سخنان شان راجع به سردار شهید محمد بروجردی فرموده اند:

«آن چیزی که من از شهید بروجردی احساس کردم و یک احترام عمیقی از او در دل من به وجود آورد، این بود که دیدم این برادر، با کمال متانت و با کمال نجابت، به چیزی که فکر می کند مسئولیت و وظیفه است. من تصور می کنم روحیه آرامش و نداشتن حالت ستیزه جویی با دوستان و گذشت و حلم در قبال کسانی که تعارض های کاری با او داشتند، نشانه آن روح عرفانی شهید بود».

سردار شهید حاج ابراهیم همت، شش ماه پیش از شهادتش، درباره شهید محمد بروجردی گفته بود: «بروجردی شناخته نشد. نه بر ملت ایران و نه بر تاریخ ما شناخته نشده است. تصور من این است که زمان بسیاری باید سپری شود تا شناخته شود. شاید خون رنگین بروجردی، این بیداری را در ما به وجود بیاورد».

میزان خوردن غذا

افراط و تفریط در رساندن غذا به بدن هر دو ضرر و مفسده دارد.

امام رضا (علیه السلام) با تشبیه بدن به زمین می‌فرماید: بدن انسان، بسان زمین پاک و آماده برای زراعت است که اگر در آبادانی و آبدهی بدن، مراقبت شود به‌گونه‌ای که آب نه فراوان‌تر از نیاز بدن برسد تا آن را غرقاب و باتلاق کند و نه از اندازه کمتر باشد تا آن را به تشنگی گرفتار سازد، آبادانی‌اش استمرار می‌یابد، اما اگر از آن غفلت شود به تباهی می‌گراید و علف هرز در آن می‌روید؛ بدن چنین حکایتی دارد و تدبیر آن در خوراک و پوشاک چنین است.

پرخوری و نیز خوردن پس از سیری، بدن را باتلاق تجمع میکروب‌ها می‌سازد و موجب تباهی تن، قساوت قلب، کودنی، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «مؤمن در یک شکم چیز می‌خورد و کافر در هفت شکم چیز می‌خورد».

امام علی (علیه السلام) فرمود: «عادت به پرخوری انواع دردها را به همراه دارد» و همچنین فرمود: «از پرخوری پرهیز کنید، چرا که مایه تباهی تن است».

بهترین رمز سلامتی آن است که انسان با وجود اشتها به غذا از آن دست بکشد. امام علی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام) فرمود: «اگر می‌خواهی سالم بمانی و از پزشک بی‌نیاز شوی، چهار امر را رعایت کن:

۱. اگر میل به غذا نداری نخور.

۲. تا زمانی که سیر نشده‌ای و اشتها باقی است، دست از غذا بکش.

۳. غذا را پس از جویدن کامل در دهان، فرو بده.

۴. قبل از خواب قضای حاجت کن».

مفهوم آیه شریفه «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» که در نگاه نخست بسیار ساده به نظر می‌رسد، امروز در رتبه مهم‌ترین دستورات بهداشتی (و تغذیه سالم) قرار گرفته است زیرا طبق تحقیقات دانشمندان، سرچشمه بسیاری از بیماری‌ها، غذاهای اضافی (داخل معده) است که به صورت جذب‌نشده در بدن باقی می‌ماند.

این مواد اضافی هم بار سنگینی است بر قلب و عروق و سایر دستگاه‌های بدن و هم بستر آماده‌ای است برای پذیرش انواع عفونت‌ها و بیماری‌ها؛ لذا برای درمان بسیاری از بیماری‌ها نخستین گام این است که این مواد اضافی و به عبارت دیگر زباله‌های تن انسان بسوزند و جسم پاکسازی گردد.



بذل مال و جان و راحتی در راه دین

تقویت پیغمبر، بعد هم دچار آن سختی و مشکلات طاقت فرسا شد که یکی مسئله شعب ابیطالب بود که سه سال آنجا بودند و سختی‌هایی که این بزرگوار متحمل شد.

این ایمان را محکم نگه داشت، قرآن درباره کسانی که قبل از فتح و بعد از فتح انفاق می‌کنند «لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلٌ». این قبل الفتح، یعنی فتح مکه، این قبل از فتح مدینه است؛ یعنی قبل از آنی که مدینه‌ای در اختیار پیغمبر قرار بگیرد و زندگی راحت، حکومت و قدرتی در اختیار آن بزرگوار باشد، در حال نهایت شدت ایشان انفاق کرد؛ هم مال‌شان را، هم جان‌شان را و هم راحتی‌شان را، این‌ها واقعاً فضائل مهمی است.

این‌ها مغفول عنه مانده و حضرت مظلومه است. این بزرگوار واقعاً مظلومه است. واقعاً جناب خدیجه (سلام‌الله‌علیها) غریب هستند. حالا شما می‌گویید مادر یازده امام، اما در واقع مادر دوازده امام است، ایشان مادر امیرالمؤمنین هم هست، ایشان امیرالمؤمنین را در دامن خودش، آغوش خودش و زندگی خودش پرورش داده است تا چند سالگی.

مقام معظم رهبری، ۱۵ خرداد ۱۳۹۶

جناب خدیجه دوران رنج و سختی‌های پیغمبر را تحمل کرد، اولاً نفس ایمان آوردن به پیغمبر که اولین کسی که ایمان آورد امیرالمؤمنین و حضرت خدیجه بودند. خود این یک امتیاز بزرگ و یک ارزش بسیار بالا است، آسان نیست. عبور کردن و صرف‌نظر کردن از عقایدی که انسان‌ها با آن‌ها سال‌های متمادی زندگی کرده آسان نیست.

برای ما چنین چیزی پیش نیامده تا بدانیم چقدر مشکل است، ایشان اولاً با آن فطرت پاک، سرّ و حقانیت قضیه را فهمید، تا پیغمبر را دید با آن حال که از حرا برگشته بود، فهمید که یک حادثه مهمی اتفاق افتاده و قلب مبارکش مجذوب شد و ایمان آورد و بعد پای این ایمان ایستاد.

حالا شما ثروت را می‌فرمایید این یک کلمه به زبان آسان است. دادن پول کاری است. کسانی که پول دارند می‌توانند پولی را مصرف و خرج کنند، اما اینکه انسان از همه زندگی راحت خارج شود و همه پول را مصرف کند و همه ثروت را صرف کند کار یک ذره و دوزخه نیست.

این بزرگوار این امتیاز را دارد، از همه اموال خودش خارج شد و همه را صرف کرد در راه ترویج اسلام و



فضیلت علم از نگاه روایات

امام حسن عسکری

روایت می‌فرماید: کسی که شیعیان ما را از دست نواصب و شیاطین نجات بدهد، یک میلیون مرتبه بالاتر از کسی است که در معرکه جهاد برود و مسلمان‌ها را از دست کفار نجات دهد. «لَأنَّه يَدْفَعُ عَنْ أَذْيَانِ مُحِبِّينَا وَذَلِكَ يَدْفَعُ عَنْ أَبدَانِهِمْ»؛ اگر این دو عمل جهادی را با هم مقایسه کنید، یکی جهاد علمی است که مانع کافر شدن مسلمانان می‌شود و دیگری جهادی است که باعث می‌شود کشورشان در اختیار کفار قرار نگیرد. ارزش دین چقدر بیشتر از زمین و شکم است؟! طبق این روایت یک میلیون مرتبه تفاوت دارد. کسی که دین مردم را حفظ کند، یک میلیون مرتبه ثوابش بیش از کسی است که بدن‌ها، زمین‌ها و اموال مردم را حفظ می‌کند.

امام حسن عسگری از امام صادق (صلوات‌الله‌علیهما) نقل می‌کند که فرمودند: «عَلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثَّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَعَفَارِيَّتَهُ يَمْنَعُوهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضَعْفَاءِ شِيعَتِنَا وَعَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَشِيعَتُهُ النَّوَاصِبُ»؛ مرابط به معنای مرزبان است.

این روایت می‌فرماید: علمای شیعه مرزبان هستند؛ البته جای مرزبانی آن‌ها مرز خاصی است و مرزهای معروف جغرافیایی نیست. آن مرز، مرزی است که بین مؤمنان و ابلیس و یاران اوست. این مرزبانان مانع حمله شیاطین به ضعفای شیعه می‌شوند.

ضعفای شیعه کسانی هستند که معرفت و ایمان‌شان قوی نیست. وقتی شیطان به آن‌ها حمله و شبهاتی به آن‌ها القا می‌کند، زود ایمان‌شان را از دست می‌دهند و تحت تأثیر شیطان واقع شده و به گناه آلوده می‌شوند. علمای شیعه آن‌جا ایستاده‌اند تا شیاطین به شیعیان حمله نکنند. «أَلَا فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَالتُّرُكَ وَالْخَزَرَ أَلْفَ أَلْفٍ مَرَّةً»؛ در آن زمان دشمن مسلمان‌ها طوایفی از روم، ترک و خزر بودند که اطراف کشورهای اسلامی قرار گرفته و غیرمسلمان بودند.

گزیده‌ای از سخنان حضرت

آیت‌الله مصباح‌یزدی (رحمت‌الله‌علیه)

در دفتر مقام معظم رهبری است که در تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۳، مطابق با اول

ربیع الاول ۱۴۳۶ ایراد شد.



گفتند: «نمی آید!»...

محیا خوبرو

گفتند: «نمی آید!»...

و عامدانه گرد سیاه ناامیدی پاشیدند روی شهر...

اشکم از این بهتان در آمد...

شهر اما هرگز نپذیرفت نیامدن تان را...

شهر، مرد روزهای جنگ است؛

روزهای داغ کانال کمیل...

مرد آموخته لحظه‌های عطش است...

مرد صبر است و استقامت...

ناامیدی نمی داند...

دعایش ندبه دلتنگی شماست...

حتی اگر هر روز گرد سیاه ناامیدی بپراکنند در

شهر، او همچنان علم کربلایی‌اش را زمین نگذاشته

و به عشق هدف بودن در کنار شما نخواهد

گذاشت..

چشم بینا ندارد قلبی که نمی بیند شما در راهی...

نسیم می پیچد میان پرچمی که به نام نامی

ابالفضل العباس (علیه السلام) منقش است...

دل شهر زنده تر می شود...

شما در راهید...

ایمان دارم...

وام قرض الحسنه

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ



قرض الحسنه گردش مهربانی است



من ذی الذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له وله اجر کریم
کیست آن کس که به خدا وامی نیکو دهد تا (نتیجه اش را) برای وی دوچندان گرداند و او را پاداشی خوش باشد.

خبر ویژه

«وام بدون کارمزد»

آغاز ثبت نام دور دوم وام ۴۰ میلیونی تومانی ویژه با اقساط ۱۶ ماهه و پرداخت ماهانه ۲,۵۰۰,۰۰۰ تومان

آغاز ثبت نام دور سوم وام ۲۰ میلیونی تومانی با اقساط ۱۶ ماهه و پرداخت ماهانه ۱,۲۵۰,۰۰۰ تومان

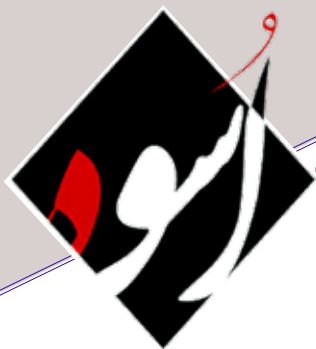
آغاز ثبت نام دور هفتم وام ۵ میلیونی تومانی با اقساط ۱۰ ماهه و پرداخت ماهانه ۵۰۰,۰۰۰ تومان

قرعه کشی کلیه ماه ها یکجا انجام می شود

جهت آسودگی خاطر عضو محترم، قبل از زمان پرداخت وام به هر عضو وام بیمه می گردد.
جهت اطلاع بیشتر و ثبت نام همه روزه از شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۸ تا ۱۲ بعد از ظهر تماس حاصل نمایید.

۵۵۳۹۰۱۲۰ - ۵۵۴۸۲۰۲۵ تلفن -- داخلی (۱)

واحد وام موسسه فرهنگی قران و عترت اسوه تهران



واحد پژوهش موسسه فرهنگی، قرآن و عترت اسوه تهران

سر دبیر: سرکار خانم زهرا بادی

دبیر تحریریه: فخری مرجانه

صفحه آرا: سعیده نیکبخت

بهای هر شماره: ذکر صلوات نثار ارواح طیبه شهدا و امام خمینی (ره)

راه های ارتباطی با مؤسسه فرهنگی، قرآن و عترت اسوه تهران

پایگاه اینترنتی: www.osveh.org

فروشگاه اینترنتی: www.osvehshop.com

کانال تلگرام: [osveh_org](https://t.me/osveh_org)

آدرس اینستاگرام مؤسسه اسوه: [osveh_org](https://www.instagram.com/osveh_org)

آدرس صفحه اینستاگرام چاشنی زودپز: [chashni_zoodpaz](https://www.instagram.com/chashni_zoodpaz)

مرکز آموزش الکترونیک اسوه: www.osvehedu.ir

مرکز مشاوره اسوه: www.osvehgap.ir

نشانی: تهران- خیابان کارگر جنوبی- پایین تر از چهار راه لشکر- روبه روی دانشگاه پردیس علامه طباطبائی- کوچه شهید علی غیاثوند قیصری- بن بست آریا- پلاک ۶

شماره تماس: ۵۵۴۸۲۰۲۵-۰۲۱